

## تماشاگاه راز

زیر نظر: محمدرضا مهد پزاده

«تقدیم به هنرمند توانای موسیقی کتولی آقای  
سیداحمد حسینی به پاس مهربانی‌هاش»

### زمزمه دوتار

ای دوست ز بس زمزمه ساز تو گیراست  
پر جذبه‌تر از نغمه موسیقی دریاست  
هر گاه زنی ز خمه چو برسیم دوتار  
در حنجره ساز تو بس شور و نواهاست  
بلبل بشود مست ز آهنگ «هرایی»<sup>(۱)</sup>  
شورافکن و هم موجب شیدایی دلهاست  
ورساقی و کله کش و زارنجی و «مسکین»<sup>(۲)</sup>  
در گوش دلم خوشتر از آهنگ نکسیاست  
آیم به سر شوق ز آهنگ «شترناز»<sup>(۳)</sup>  
بهر غم دل مایه تسکین و تسلاست  
مجنوب نواز ندگی ات گشته‌ام، آری  
از بس که به هر پرده<sup>(۴)</sup> ساز تو سخنهاست  
لبریز بود قلب تو از رایحه عشق  
چون باغ که سرشار ز گل‌های شکوفاست  
ای آن که نگاه تو پیام آور مهر است  
خورشید در آینه چشمان تو پیدااست  
مشتاق نواهای دوتار توام و دل  
دیری ست که دل‌تنگ همان نغمه گیراست  
جاوید بماند به جهان نام هنرمند  
زیرا که هنر هدیه‌ای از عالم بالاست  
موسیقی پر شور مقامی کتولی  
گنجینه دیرینه این خطه ز بیاست  
اسماعیل مزیدی - علی آباد کتول

۱- اساس ساختار موسیقی کتول متکی بر سه مقام آوازی به نام‌های: هرایی، راسته مقام و کله کش می‌باشد: هرایی، مقدمه و پیش درآمد آهنگهای کتولی است.  
۲- اشاره به منظومه «عباس مسکین» که به اتفاق منظومه «عباس گالش» از معروفترین منظومه‌های داستانی کتول می‌باشد. برای اطلاع بیشتر از سرگذشت عباس گالش به کتاب گرانقدر «شرف راهزن» مراجعه شود.  
۳- شترنازه و رساقی زارنجی، غریب و یار خدیجه از جمله قطعاتی است که براساس داستان یاروایت خاصی ساخته شده است که فاقد بیان آوازی است.  
۴- دوتار کتولی در دو نوع کاسه کوچک و کاسه بزرگ می‌باشد که دارای یازده پرده است.

### نمونه شعر کلاسیک

#### مسیحانفسی می آید

مژده‌ای دل که مسیحانفسی می آید  
که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید  
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش  
زدهام فالی و فریاد رسی می آید  
کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست  
این قدر هست که بانگ جرسی می آید  
خبر بلبل این باغ پیرسید که من  
ناله‌ای می شنوم کز قفسی می آید  
جرعه‌ای ده که به میخانه ارباب کرم  
هر حریقی ز پی ملتسمی می آید  
یار دارد سر صید دل «حافظ» یاران  
شاهبازی به شکار مگسی می آید  
حافظ

#### آینه‌ای برای او

از آینه‌ام بار دگر رنگ پریده‌ست  
این آینه جز دشمنی سنگ ندیده‌ست  
تصویر غریبی ست که جز زوزه گرگی  
در دشت پر از لهله خود نشنیده‌ست  
ای آنکه پر از زمزمه و عطر دعایی  
باز آبی که دینم به لب کفر رسیده‌ست  
صد پنجره در هر غزلم باز نمایید  
تا آنکه هنوز از پس این ره نرسیده‌ست  
- لختی بوزد شمس نگاهش که در این شب  
از آینه‌ام بار دگر رنگ پریده‌ست  
مهدی بیاضی - گرگان

مهدی اخوان ثالث

### نمونه شعر نو

#### قاصدک

قاصدک! هان، چه خبر آوردی؟  
از کجا و ز که خبر آوردی؟  
خوش خبر باشی، اما، اما  
گرد بام و در من  
بی ثمر می گردی  
انتظار خبری نیست مرا  
نه ز یاری نه ز دیار و دیاری - باری  
برو آنجا که تو را منتظرند  
قاصدک!  
در دل من همه کورند و کردند  
دست بردار از این در وطن خویش غریب  
قاصد تجربه‌های همه تلخ  
با دلم می گوید  
که دروغی تو دروغ  
که فریبی تو، فریب  
قاصدک! هان، ولی... آخر... ای وای  
راستی آیا رفتی با باد؟  
با توام، آبی، کجا رفتی؟ آبی...!  
راستی آیا جایی خبری هست هنوز؟  
مانده خاکستر گرمی، جایی؟  
در اجاقی - طمع شعله نمی‌بندم -  
خردک شری هست هنوز؟  
قاصدک!  
ابرهای همه عالم شب و روز  
در دلم می‌گریند